

رافت قضائی

حالتی که محکمه در جریان رسیدگی قضیه با نظر داشت اوضاع و احوال مجرم و نحوه ارتکاب جرم مطابق احکام قانون مجازات مجرم را تخفیف می‌دهد.

[]:

رای

اظهار اراده شخص که به مثابه یک حق فردی کتباً، لفظاً و یا اشارتاً و یا به شکل سری و یا علنی در امور مختلف سیاسی، اجتماعی و غیره تبارز می‌یابد.

[]:

رای عمومی

رای مردم در موضوع معین.

[]:

رای قطعی

رای قابل اجرا و واجد اثرات حقوقی.

[]:

رای ممتنع

راییی که شخص واجد صلاحیت رای دهی، برای هیچ شخصی و یا انجام هیچ کاری که انتخابات به منظور آن براه افتیده به طور مثبت و منفی از آن استفاده نه نماید.

[]:

رابطه حقوقی

رابطه که از نظر حقوقی بین دو شخص، دو چیز و یا شخص و چیز طوری برقرار میگردد که منتج به نتایج حقوقی باشد.

[]:

رابطه زمان جرم

ارتباط دادن زمان جرم با وقوع آن که آیا با هم مقارن بوده اند یا خیر.

[]:

رابطه سببیت

فعلی که از طرف مرتکب صادر گردیده، سبب احداث (ایجاد) نتیجه جرمی گردیده است.

[]:

رابطه علیت (سببیت)

رابطه ای که بین عمل و نتیجه جرمی موجود باشد.

[()]:

رابطه نامشروع

رابطه غیر قانونی و غیر شرعی زن و مردی که بین آنها علاقه زوجیت موجود نباشد.

[]:

راپور سالانه تجارتي

گزارش فعالیت سالانه در باره بر مصارف، مفاد و اضرار که به مجمع عمومی یا هیئت مدیره ارائه میگردد.

[]:

راشی

شخصیکه جهت انجام یا امتناع از یک عمل وجه مالی را در اختیار مؤظفین خدمات عامه قرار یا آنرا وعده میدهد.

[]:

راکب

شخصیکه در یکی از انواع وسایط نقلیه سوار باشد.

[]:

راه خاص

کوچه فرعی یا مخصوصی که در حکم ملکیت مشاع بوده و مالکین آن در مطابقت با احکام شریعت و قانون، حق ممانعت عبور و مرور رهگذران، فروش و تقسیم آنرا ندارند.

[]:

راهزنی

گرفتن اموال مسافری و عابری در طرق و شوارح ضمن غافلگیری و تهاجم مسلحانه. (مراجعه شود به حرابت).

[]:

راه عام (سرك عامه)

ملکیت عامه که به منظور منافع عمومی و عبور مرور عابری در مطابقت با احکام قانون احداث میگردد.

[]:

راهن

شخصی که عینی را به گرو داده باشد. []:

رای متعدد

رای که یک شخص مطابق احکام قانون، حق چندین رای را برای کرسی های مختلف دارا باشد.

[]:

ریا

بیع جنس به جنس به شرط اضافه گرفتن. []:

ریا خوار (سود خوار)

وام دهنده پول که سود فاحش از مدیون میگیرد.

[]:

رب المال

شخص صاحب سرمایه و مامل در عقد مضاربت.

[]:

ربح باقسط

ربح یک قرضه که به مقادیر مساوی در فواصل مرتب در یک دوره قابل تادیه باشد. []:

ربح ساده

ربحی که تنها از اصل مبلغ گرفته میشود نه از ربح ناشی از این مبلغ. []:

ربیع

سهام یک بر چهارم در متروکه میت. []:

ربلی

حالتی که در اثر مرور زمان و استعمال، یک شی تلف شود و یا ازین رود و منتج به از دست دادن خاصیت مال بودن آن گردد. []:

ربودن

بردن و انتقال غیر قانونی مامل منقول مالک یا متصرف آن. []:

رجعت

باز گردانیدن زوجه مطلقه غیر طلاق باین، به رابطه زوجیت بدون عقد جدید. []:

رجم

حد شرعی زنا که براساس آن مرد یا زن محصن و محصنه بالغ که مرتکب زنا گردیده باشد، سنگسار میگردد. []:

رجوع از شهادت

برگشت شاهد از شهادتی در رابطه به موضوعی که ادا کرده باشد. (مراجعه شود به شهادت).

[]:

رجوع از وصیت

انصراف وصی از وصیت.

[]:

رجوع از هبه

برگشت واهب از تصمیمش مبنی بر تملیک مامل به موهوب له می باشد. []:

رجوع مقرر از اقرار

حالتی که در آن مقر بعد از اقرارش در حصه حقوق الله یا حق جامعه از اقرارش رجوع نماید.

[]:

رخصتی

وقت و میعادى که شخص به اساس قانون مستحق استفاده از آن میباشد. []:

رخصتی محبوس

رخصتی ایکه به منظور حفظ بهتر روابط فامیلی محبوس و تامین حبس متابعت از قانون در محبس، الی بیست روز برای کسانیکه به جرم جنایت محبوس نگردیده، اعطا میگردد. []:

رد (مدنی)

اعاده باقیمانده ترکه بعد از سهم ذوی الفروض بر آنها به تناسب سهم هر یک از آنها. [()]:

رد اشیای ضبط شده

حالتی که اشیاء ضبط شده در ارتکاب جرم قابل مصادره نباشد و دوباره به مالک آن مسترد گردد. []:

رد باطل

حالتی که موصی له بعد از وفات موصی، وصیت را رد نموده، ولی ورثه موصی آنرا نپذیرد. []:

رد عین عاریت

مسترد ساختن مالی که به عاریت داده شده است. (مراجعه شود به عاریت). []:

رد قاضی

مطالبه عدم رسیدگی قاضی یا هیئت قضایی از جانب یکی از طرفین دعوی، بنابر موجودیت خصومت با قاضی، قرابت او با طرف مقابل، رسیدگی قبلی قضیه توسط وی بحیث خارنوال یا در صورتی که اهل خبره یا شاهد بوده باشد. []:

رد مال مسروقه

حالتی که سارق به اساس حکم محکمه باصلاحیت محکوم علیه قرار گرفته و مکلف به اعاده مال مسروقه گردد. []:

رد وصیت

اعلام قصد موصی له، مبنی بر عدم پذیرفتن مورد وصیت. []:

رد یمین

حالتی که شخصیکه قسم به او توجیه شده از اداء آن ابا و رزد، می تواند آنرا به جانب مقابل رد نماید. []:

ردة

استعمال کلماتی که شخص به نسبت آن مرتد محسوب میشود. []:

ردیف زمین

درجه زمین با نظر داشت نوعیت حاصلدهی زمین در مطابقت به قانون. []:

رسوا کننده گی

اجرای مجازات محکوم علیه، در حضور مردم انگشت نما میسازد. []:

رسید

سندی مبنی بر دریافت مکتوب، ورقه رسمی، چک و یا اموال و امتعه که از جانب دریافت کننده اصدار می یابد. []:

رشوت

اخذ پول نقد، مال یا منفعتی و یا هم گرفتن وعده آن، از طرف مؤظف خدمات عامه به منظور اجراء، امتناع و یا اخلال در وظیفه ایکه به آن مکلف میباشد. []:

رشوت ایجابی

هر گاه پیشکش رشوت از طرف راشی صورت گیرد، رشوت ایجابی دانسته میشود. (مراجعه شود به رشوت). []:

رشوت سلبی

هر گاه قبول از جانب مرتشی صورت گیرد، رشوت سلبی دانسته میشود. (مراجعه شود به رشوت).

[]:

رفع تناقض

تکذیب حکم قاضی مبنی بر از بین بردن تناقض اطلاق میگردد. []:

رفع مسوولیت جزائی

حالاتی که در صورت موجودیت آن مرتکب، در مطابقت به احکام قانون از مجازات معاف میگردد. []:

رفع عیب

برطرف نمودن عیب. []:

رقابت غیر قانونی

حالتی که تجار یا شرکت های تجارتي فعالیت های غیر قانونی را علیه تجار یا شرکت های تجارتي دیگر انجام دهند. []:

رقابت ناقص

حالاتی که در آن شرایط رقابت کامل موجود نباشد. []:

رقبی

عقدی که به موجب آن مالک، عین مامل یا منافع آنرا برای مدت معین در اختیار طرف عقد قرار میدهد. []:

رکاز

گنج مدفون در زمین اعم از معدن طبیعی و دیگر مدفونات که مالک آن معلوم نباشد. []:

رکن شی

آنچیزی که در حقیقت و ماهیت شی داخل بوده و بدون آن شی موجود شده نمی تواند. []:

رنج آوری

خصوصیت آزار دهنده مجازات. []:

رضاع

مکیدن شیر توسط طفل از پستان مسترضع. (مراجعه شود به مسترضع). []:

رضا

توافق اراده شخص که موجودیت آن در انعقاد عقود شرط میباشد. []:

رضایت به جرح

اذن شخص در جرح بدن خویش.

[]:

رضایت مجنی علیه

تمایل قبلی و موافقت مجنی علیه در رابطه به عملی که علیه حقوق و آزادی او طبق احکام قانون انجام گیرد. []:

رعایت مراتب داینین

مراعات سلسله داینین در رسانیدن و پرداخت حقوق آنها، با در نظرداشت حق تقدم برخی آنها نسبت به سایرین. []:

رغبت

علاقه مندی در مطالبه یک حق یا انجام یک عقد. []:

رفض طلب

عدم قبول مطالبه طلب کننده به حق مدنی، از جانب قاضی. []:

روانشناسی جنائی

علمی که موضوع آن مطالعه روحی و روانی مجرمین میباشد. []:

روزنامه

نشریه مطبوع که روزانه به چاپ میرسد. []:

رونویسی یا تبیض

نقل و پاک نویسی اثری از روی نسخه اصل مؤلف یا مترجم بصورت خوانا و صحیح. []:

رویه قضایی

مجموع فیصله هایی که به یک جهت معین اتخاذ گردیده و مورد تأیید محکمه نهایی کشور واقع گردد. []:

رهایی به قید ضمانت

رهایی مظنون و یا متهم در بدل ضمانت بالمال و یا یک شخص جهت احضار آنها در معیاد معین به مراجع عدلی و قضایی. []:

رهایی مشروط

حالتی که قبل از پایان دوره محکومیت به محکومی که در بند است، طبق قانون اعطاء میگردد. []:

رهایی مؤقت

رهایی که بعد از گرفتاری، به امر خارنوال به صورت مؤقت صورت میگردد. []:

رهن

عقدی که به موجب آن در قید نگهداشتن مالی در برابر پرداخت حق مالی که ادای کل یا بخشی از آن ممکن باشد. []:

رهن تبعی

رهنی که شرط ضمنی عقد دیگری است که آنرا رهن شرط نیز میخوانند. [()]:

رهن حیازی

عقدی که بموجب آن رهن دهنده تعهد مینماید تا مالم خود را به تصرف رهن گیرنده یا شخص امین دیگری در مقابل حق مالی قرار دهد. [()]:

رهن رسمی

عقد گروی که گرو گیرنده بر مبنای یک سند رسمی حق تقدم را نسبت به سایر داینین در رابطه به عقاری که در عقد گروی قرار گرفته، پیدا میکند. []:

رهن عاریت

تحت رهن گذاشتن مال به عاریت گرفته شده توسط عاریت گیرنده به اجازه عاریت دهنده. []:

رهن گیرنده متجاوز

شخص که مال مرهونه را بدون اجازه رهن دهنده به ودیعت، عاریت و رهن داده یا آنرا بفروشد. []:

رهن منقول

گرو گرفتن مالی که از یک محل به محل دیگر قابل انتقال باشد. []: